

درفش سرخ کمون پاریس برای همیشه در

پیشاپیش مبارزات کارگران سراسر جهان بر افراشته خواهد ماند

چه انعطاف پذیری، چه ابتکار تاریخی، چه فداکاری، چه قدرت فداکاری در این پاریسها وجود دارد... تاریخ عظمی شبیه این سراغ ندارد "مارکس در ستایش کمون پاریس" او نمرده است، او را کنار دیوار گذاشتند، و هزار بار تیربارانش کردند و سیاهکاران عربده زنان، پرچم خود را در کوچه‌ها گرداندند، پرچمی که جلاد از میان لجن بیرون کشید، و فریاد زد: این است کیفر. اما با وجود سرکوب، او نمرده است، آری کمون جاودانه زنده است (اوژن پواتیه)

"جوهر و عصاره کمون در آنجا نیست که معمولاً بورژواها به دنبال آن می گردند، بلکه در آفرینش نوع خاصی از دولت است" لنین

کارگران پاریس در 18 مارس 1871 اقدام به برپایی اولین حکومت کارگری در تاریخ بشر و تشکیل کمون پاریس دست زدند. این اولین حکومت کارگری، تجربه سترگ، شور انگیز و فراموش ناشدنی با درسهای تاریخی و غیر قابل انکار برای طبقه کارگر از آن زمان تاکنون بوده و بی شک برای طبقه کارگر آینده هم درسهای کم نظیر و تاریخی آن حفظ شده و و بکار خواهد آمد.

یاد و خاطره قهرمانیهای کموناردهای پاریس هرگز توسط هم طبقه ای های آنها در سراسر جهان فراموش نخواهد شد. زیرا که برای اولین بار در تاریخ بشر، کارگران و زحمتکشان دست به انقلابی برای رهایی خویش از یوغ بندگی سر مایه زدند. برای اولین بار جهان با طبقه کارگر خود آگاهی روبرو شد که نه در خود مانده بلکه برای رهایی خود به پا خاسته بود و میخواست که برای همیشه از قید زنجیرهای بردگی سر مایه رها گردد. و با برقراری نخستین حکومت کارگری به مصاف

بورژوازی بر خاسته بود. هر چند جنگی نابرابر بود و امکان شکست زیاد، ولی کارگران قهرمان پاریس ترسی به دل و تزلزلی در جان نداشتند با این کار خود به قول مارکس به عرش اعلی رسیدند. و برای ایجاد جامعه ای با سامان نو و روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جدید دست به اقدامی شجاعانه و غیر قابل تصور زدند. هر چند کمون سر کوب شد و موقتا به شکست انجامید و به قتل عام کمونارهای دلیر انجامید و لی دستاوردهای آن برای طبقه کارگر و تکامل جهانی آن، ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک بسیار ارزنده و آموزنده بود و و به مارکسیسم عنای تازه و بیشتری بخشید و به خودآگاهی و خود رهایی طبقه کارگر همچین

با نزدیک شدن سالروز کمون پاریس تمامی کارگران و کمونیستها از طرفی احساس تحسین نسبت به کمون و یادگیری از کمون پاریس و بکار بستن درسهای گرانبهای آن را دارند و از طرف دیگری خشمی عظیم بر علیه سر کوب کنندگان کمون و اندوه فراوان برای سرنوشت کمونارها در در آنها بوجود میآید. اما احساس اصلی حاکم بر طبقه کارگر و مبارزان راه رهایی طبقه کارگر، احساس شادی و شرف و صف ناپذیر و بالیدن به عمل و شخصیت و مبارزه کمونارها بخاطر تحقق بخشیدن به آرزوی طبقه کارگر و ایجاد اولین حکومت کارگری در تاریخ میباشد که برای تمامی کارگران و کمونیستها در سراسر جهان تجربه ای فراموش نشدنی بوده و میباشد

در 18 مارس 1871 کارگران و زحمتکشانش پاریس توانستند با نبردی بی امان و با فداکاری و شور و شوقی بی نظیر در مقابل بورژوازی فرانسه که تا به دندان مسلح بود، قدرت را به دست گرفته و در 28 مارس 1871 اولین دولت کارگری را به نام جاودانی «کمون پاریس» تاسیس نمایند. در به انجام رسیدن این واقعه تاریخی، 1* زنان کارگر و انقلابی پاریسی نقش بسیار فراموش ناشدنی و فداکارانه و مسئولانه و مهم و ارزنده ای داشتند

در کتاب جاودانه مارکس به نام «مبارزه طبقاتی در فرانسه» او در باره این واقعه بزرگ نوشت: «در سپیده دم 18 مارس، پاریس با شنیدن فریاد رعد آسای زنده باد کمون از خواب بیدار شد. ببینیم این کمون چگونه چیزی است؟ این ابولهولی که شنیدن نام آن خاطره بورژواها را آشفته میسازد چیست؟ در بیانیه 18 مارس کمیته مرکزی چنین آمده است: «پرولتاریای پایتخت که شاهد ناتوانی ها و خیانتهای طبقات حاکم بودند، در یافتند که ساعت موعود برای آنکه آنان با بدست گرفتن زمام امور کشور را از وضع فعلی برهانند فرا رسیده است. پرولتاریا دریافت که وظیفه اجتناب ناپذیر و مطلق اوست که سرنوشت خویش را به دست گیرد و با تملک قدرت، پیروزی این سرنوشت را تضمین کند». فرار سپیدن زمینه های این قیام در دوران جنگ فرانسه با پروس فراهم شده بود. روز 28 ژانویه 1871 شهر پاریس در برابر فشار نیروهای آلمانی به فرماندهی بیسمارک سقوط کرد. کارگران و زحمتکشانش پاریس برای دفاع از شهر در ارگانی بنام گارد ملی متشکل و مسلح شده بودند. ولی بعد از سقوط پاریس

در برابر نیروهای پروس، حکومت جمهوری فرانسه در صدد خلع سلاح کارگران و زحمتکشان پاریس برآمد.

کارگران و نیروهای مسلح متشکل در گارد ملی از خلع سلاح شدن امتناع ورزیدند و دست به دایر کردن دولت مورد نظر خود (کمون پاریس) زدند. متأسفانه عمر این اولین دولت کارگری بسیار کوتاه بود و از 18 مارس 1871 تا 29 می همان سال بیشتر ادامه پیدا نکرد و به طرز ددمنشانه ای مورد هجوم نیروهای مسلح بورژوازی (ورسای) قرار گرفت و در یک نبرد سخت و نابرابر توسط نیروهای ضد انقلاب به خاک و خون کشیده شد.

کمونارهای دلیر تا آخرین لحظه با چنگ و دندان از انقلاب و دولت کارگری دفاع کردند. زن، مرد و کودک، قهرمانانه در خیابانها و کوچه های پاریس سنگر ساختند، به مصاف با بورژوازی تاندان مسلح شده رفتند.

زنان با شجاعت و دلاوری های بی نظیری نقش زیادی در پیروزی کمون پاریس ایفا

کردند. صد هانفر از آنها زن و مرد و کودک در گورستان پرلاشز در پاریس در پای دیواری که بنام

دیوار کمونارها معروف است با گلوله نیروهای ارتجاعی دولت فرانسه اعدام شدند.

در مجموع بیش از هزاران نفر از کارگران، زحمتکشان و انقلابیون پاریس و مدافعان کمون پاریس در این

نبرد نابرابر به دست نیروهای ارتجاع به خاک و خون کشیده شدند و هزاران نفر دیگر که به اسارت

درآمدند بعد از شکنجه ها و تحمل سختی های فراوان به مناطق مستعمره فرانسه تبعید شدند.

مارکس این تجربه بی نظیر طبقه کارگر فرانسه را در کتاب «جنگ داخلی در فرانسه» بطور مفصل و

با دیدی عمیق و تیز بین شکافته و آن را از زاویه های گوناگون مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است،

در عین حال چهره کریه بورژوازی فرانسه و متحدان آن را به درستی و بطور بارزی افشاء نموده و

در نهایت رسالت تاریخی طبقه کارگر را بر علیه بورژوازی به صراحت و روشنی ترسیم نموده است.

کتاب «جنگ داخلی در فرانسه» گنجینه عظیمی برای درک کمون پاریس و درسهای تاریخی آن میباشد

. مارکس به اهمیت «انترناسیونالیستی» کمون در بخش دیگری از این کتاب تاکید کرده و نوشته «

کمون در عین حال حکومت کارگری و از این بابت، آن حکومت انترناسیونالیستی به معنای کامل کلمه

بود. در زیر نظارت ارتش پروس که دو ایالت فرانسوی را به آلمان ملحق کرده بود، کارگران سراسر

جهان را به کارگران فرانسوی می پیوست، کمون نیز حضور اتباع بیگانه را در صفوف خود برای

کسب افتخار مردن در راه آرمانی جاودانه پذیرفته است. (مارکس جنگ داخلی در فرانسه)

برای مارکس کمون پاریس شکل مقدماتی حاکمیت طبقه کارگری یعنی دیکتاتوری پرولتاریا بود و نشان

دهنده قهر انقلابی محرومان در برابرستم گران، استثمارگران و دشمنان آزادی بود. کارهای اساسی کمون

به اختصار: فرمان لغو ارتش و پلیس دائمی و ژاندارمری. تنها نیروی مسلح ملیشیایی بود که متشکل

از کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی میشد. فرمان مصادره اموال کلیساها و استفاده از کلیساهای

عنوان محلی برای جلسات سیاسی، فرمان تحصیل مجانی، اصل انتخابی بودن همه کارمندان دولتی و عزل و نصب آنها در هر زمان و به اراده شورای کمون، سوزاندن و از بین بردن وسائل گیوتین و شکنجه.

لغو حکم اعدام، جدایی دین از حکومت و مدرسه، آزادی بی قید و شرط.. سطح دستمزدها به سطح دستمزد کارگران رسید. کمون از مشاوران شهری که برای عمومی مردم در نواحی گوناگون برگزیده میشدند تشکیل میشد. این افراد در هر لحظه باید پاسخگو میبودند و مقامشان پس گرفتنی بود. اکثریت اعضای شورای کمون از کارگران، یا نمایندگان سرشناس طبقه کارگر بودند. بالاتر و مهمتر از همه اهمیت کمون در این بود که طبقه کارگر برای اولین بار سیستم حکومتی خویش را بنیان نهاد و تجربه کرد و اینکه او را به نیرو، توان و قدرت بی نظیر خود واقف گرداند و پرچم سرخ انقلاب پرولتری انترناسیو نالیستی را بر افراشت و به همراه دومین انقلاب پرولتری جهان یعنی انقلاب اکتبر طبقه کارگر جهان را امیدوار به این امر کرد که انقلاب پرولتری امکان پذیر می باشد. زیرا که پرچم کمون پرچم جمهوری پرولتری جهانی است.

یاد، درسها و خاطره کمون پاریس، اولین دولت کارگری جهان گرامی باد

زنده باد کمون

بر قرار باد انقلاب اجتماعی

بنفشه کمالی - ۱۵-۳-۲۰۱۲

banafshekamali@gmail.com

۱* الیزو تا دمیترا (روسی) میشل لوئیز (فرانسوی) ناتالی لومل (فرانسوی ، دبیر اتحادیه زنان پاریس در کمون) و زنان بیشمار پاریسی - کموناردهای زن مبارزی که برای تحقق و برپایی کمون پاریس از هیچ جانفشانی و کوشش دریغ نورزیدند و تا آخرین لحظه به دفاع از کمون پاریس پرداختند. یاد این رفقای زن برای همیشه جاودانه و فراموش نشدنی است

منبع : افق روشن

www.ofros.com

